

سایه خورشید سوران

(در وصف دست‌نسخن)

استاد عبدعظیم قریب

گنج سخن دولت‌بایده است
نام سخن‌ز سرخ‌زنده است
مرده دلان سخن جان‌بند
آنچه در آب حیات آن دینه

جان اگر ت خیر و عالم پرست
سایه سخن در گت در گت است
این غنچه ترا بس است اندر همه عمر
در خانه از گت یک کت است

۲۱ شهریور ۱۳۱۹

عبدعظیم قریب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

به مناسبت سوّم فروردین سالگرد درگذشت
استاد عبدعظیم قریب ادیب و استاد
دانشگاه تهران (از بنیانگذاران تدوین
دستور زبان فارسی)

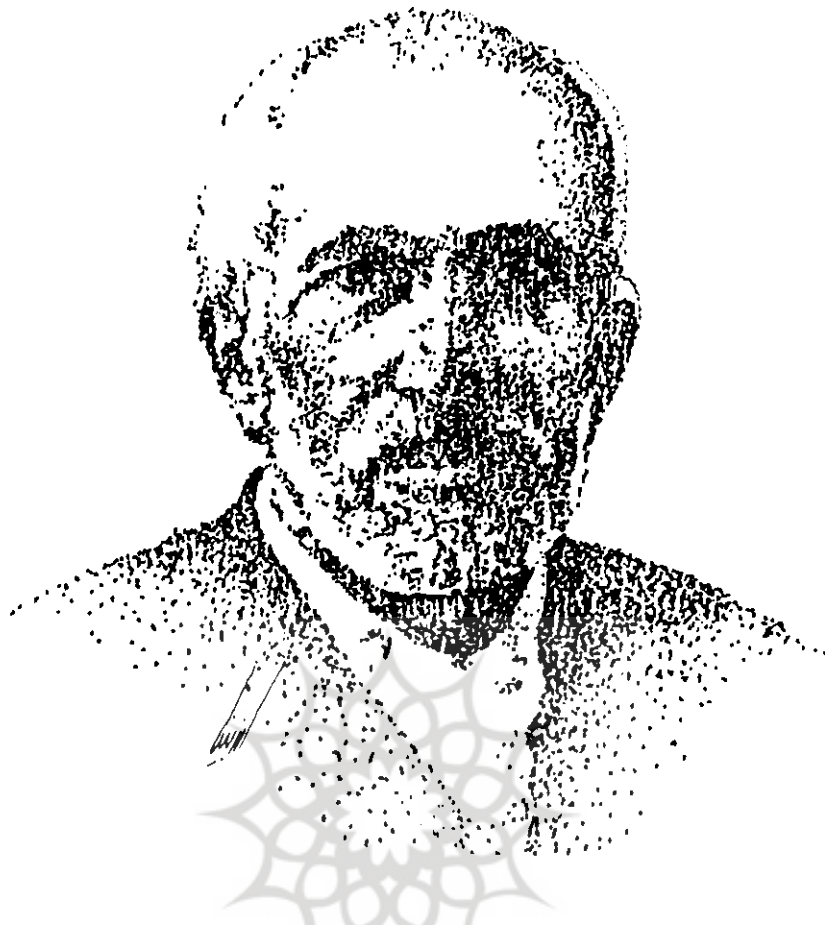
مکتب سلطانی

معروف به دستان که استاد زبان و ادبیات فارسی در مکتب سلطانی اسلامبول و عضو انجمن معارف اسلامبول بود برای آموزش دانش‌آموزان اقدام به تألیف دستور زبان فارسی به نام (دستور سخن) کرد (۱۳۰۸ ق.) و از همان زمان اصطلاح و مشخصه (دستور) تداول یافت. بعد از آن در ایران میرزا علی اکبر ناظم الاطباء، نامه زبان آموز نحو و صرف زبان

فرهنگی جامعه زمان خود بود.

اولین دستور زبان فارسی موجود، از کاشغر چین به دست ما رسیده است که مربوط به قرن دهم هجری و دومی در مئتان هندوستان به سال ۱۱۱۱ ه. ق توسط شخصی به نام خواجه عبدالصمد نوشته شده است که تکمیل و تطوّر این امر هنوز در آن سرزمین ادامه دارد. سپس در کشور ترکیه عثمانی میرزا حبیب اصفهانی

زبان و ادبیات پارسی و هنر ایرانی بعد از ظهور اسلام و پیوستن ایرانیان به امواج فراگیر آیین الهی آن، چون دو بال پیکمی بودند که هر دو به اتفاق در مناطق بزرگی از آسیا، خاورمیانه، خاور دور و از آسیای صغیر تا ماوراءالنهر و از تاجیکستان تا اقصی نقاط شبه قاره هند را طی کردند، و با عبور از هر دیوار قدر دیدند و بر صدر نشستند صدی که اندیشه علمی و



فارسی را در سال ۱۳۱۶ ق در تهران منتشر ساخت.

از جمله استادان برجسته ادب فارسی که به طور جدی در تکمیل و توسعه و ترویج و ادامه این راه، مطالعه و تحقیق و بررسی خود را متمرکز نمود شادروان استاد عبدالعظیم قریب بود. او نیاز زمان خود را دریافت و به برآوردن ضرورت جامعه فرهنگی همت گماشت و در این راستا به خوبی در زمان خود موفق بود. در عصر تشمت آراء علمی در زمینه قوانین زبان فارسی و ساختارهای گوناگون آن که هنوز بازار گرم آن اختلافات همچنان باقی است؛ استاد عبدالعظیم قریب به جای ارائه نظریه‌های متفاوت و مختلف به تدوین و تکمیل اصول مدماتی دستور زبان فارسی پرداخت و لازمه

آگاهی دانش آموزان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی را در زمان مزبور در این باب فراهم ساخت و در طول بیش از شصت سال تدریس آثار هرچه کاملتری را به تناوب ارائه نمود؛ به همین جهت اگر او را بنیانگذار دستور زبان سنتی بنامیم سخنی به گزاف نگفته‌ایم.

وام‌گیرهای به جا از مشخصه و عناوین موضوعی علوم بلاغت چون معانی و بیان به منظور تدوین دستور زبان فارسی همچون سایر تألیفات همانند و تقسیم‌بندی مطالب و مندرجات آن از جمله خصوصیات آثار استاد در این باره است.

اگرچه با ترویج زبان‌شناسی و توسعه حوزه‌های گسترده آن در جامعه علمی امروز،

دستور سنتی عملاً کاربرد خود را از دست داده است اما باید پذیرفت که تنقیح و بررسی و تهیه معادله‌هایی در خور و شایسته برای دستور سنتی به عنوان اولین گام در تطوّر این آثار بنیادی و آغازین امری ضروری است که هنوز متخصصان امر به آن نپرداخته‌اند و شاید این گسستن و تحوّل زیربنایی موجب تضادهای موجود گردیده است.

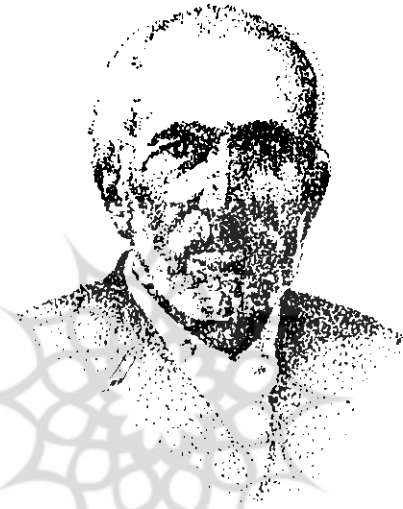
استاد عبدالعظیم قریب علاوه بر توجه به دستور زبان در تصحیح متون ارزشمند فارسی نیز سعی بلیغ مبذول داشت که از آن جمله تصحیح کلیله و دمنه نصراله منشی بود که بارها منتشر گردید و تا انتشار تصحیح شادروان مجتبی مینوی یکی از متون مورد رجوع و معتبر کلیله و دمنه به شمار می‌رفت.

اقدام پیگیری و بررسی مستمر در موضوع دستور زبان فارسی از سوی استاد عبدالعظیم قریب همزمان با تبلیغ جهت دار تعویض خط فارسی بود، که توسط عده‌ای از هوراکنان باشگاه مهر عنوان شد و جز رأس آنان که از شخصیت‌های صاحب‌صلاحیت در ادب فارسی بود و سخنی بر گرفته از دانش‌های خود بنا تطبیق و تعمق می‌گفت مابقی آنان امروز که چندین دهه از آن واقعه می‌گذرد، اثبات شد که حتی غباری در عرصه فرهنگ و ادب فارسی نبودند اما در این سوی قضیه و در مقابل آن حرکت شوم، بزرگانی چون عبدالحسین زرین کوب، محیط طباطبایی، ذبیح‌اله صفا، امیری فیروزکوهی و... از شایستگی و توانایی خط فارسی دفاع می‌کردند، در این بهره‌استاد عبدالعظیم قریب در مسیر ایده و اعتقاد خویش سرگرم تدوین و ارائه یافته‌های تکمیلی خویش بود و بر روی جلد کتاب‌های دستور زبان فارسی که به قطع جیبی با قیمت سه ریال منتشر می‌شد این رباعی را که گویا سروده خودش بود، می‌نوشت که:

آنکو به زبان خویشتن درمماند
 نادان بود از دو صد زبان می‌داند
 فرزند وطن به هر زبان ره جوید
 دستور زبان فارسی گر خواند

او گهگاه بر سبیل تفتن شعر نیز می‌سرود اما آنچه بیش از هر چیز در شخصیت این بزرگمرد جلوه گر بود؛ دیانت، تقوی و اعتقاد او به شغل معلمی بود؛ استاد جلال‌الدین همایی درباره‌ی ایشان می‌نویسد: (روانش شاد باد که حدود هفتاد سال از سنه ۱۳۱۷ قمری تا سه چهار سال قبل از فوتش علی‌التوالی به کار معلمی اشتغال داشت. مؤلفاتش از دوره (دستور فارسی) و دوره (فرائد الادب) سالیان دراز کتاب اختصاصی مدارس ایران بود و حقاً می‌توان او را از پیشقدمان و پایه‌گذاران معارف

جدید شمرد، رحمة الله علیه و رحمة واسعة. مرحوم قریب مردی سخت‌متدین و وظیفه‌شناس و دقیق و درستکار بود، در تمام دوره معلمی یک دقیقه تأخیر و یکساعت غیبت بدون عذر موجه نداشت. حقیر [استاد همایی] مدتی متمادی در دبیرستان نظام و دانشکده ادبیات با وی همکاری و مخصوصاً در امتحانات آخر سال با او شرکت داشتم. به حقیقت می‌گویم که در جرگه معلمان امروزی مردی به آن امانت و دیانت و صحت عمل و تقوی و شوق کار ندیده یا کمتر دیده‌ام.



(تاریخ فوت از استاد جلال‌الدین همایی)
 پیشوای اهل دانش میرزا عبدالعظیم بسیر فرهنگ و ادب استاد ناماور قریب از پس هفتاد ساله خدمت فرهنگ کرد از جهان رحلت دریغامرد خدمتگر قریب در خلوص نیت و تقوی و جهد و شوق کار بود در اقران خود یکتا و بسی همسر قریب او پدر بود و معارف همچنان فرزندان او مادر ایام مشکل پرورد دیگر قریب خواستم تاریخ فوتش از (همایی سنا) کز صمیم دل دریغامردی بساند بر قریب در جوابم گفت: چون (عبدالعظیم) از جمع رفت گو «دریغ و حیف استاد ادب پرور قریب» (ق ۱۳۸۴)

استاد عبدالعظیم قریب از اعضای پیوسته فرهنگستان ایران بود. از آثار ایشان تألیفات زیر را می‌توان نام برد:

قواعد فارسی (صرف و نحو فارسی) (۳ جلد)

دستور زبان فارسی (۴ جلد) (۱۳۲۵ ش)
 دستور زبان فارسی به همراهی چهار استاد دیگر (۲ جلد)

پساوندی‌های انصاف و مالکیت (ننامه فرهنگستان، دوره ۲، ش ۲، بهمن ۱۳۲۳): ۴۴: ۴۸

کتاب املاء (۳ جلد)

قرائت فارسی (با همکاری چند تن از فاضلان (۲ جلد)

کتاب فارسی (از انتشارات مؤسسه وعظ و خطابه)

بداية الادب، فوائد الادب (۶ جلد)

تصحیح کلیله و دمنه نصراله بن عبدالحمید (که مکرر به طبع رسیده)

تصحیح گلستان سعدی با مقدمه مشروح

تصحیح بوستان سعدی

تصحیح تاریخ برامکه به ضمیمه رساله‌ای در احوال برمکیان.

مرگ استاد عبدالعظیم قریب به سبب شکستگی استخوان پا بود که پس از عمل جراحی به علت کهولت به تدریج قوای او را تحلیل نموده و منجر به غروب خورشید زندگانش گردید. و به قول اسداله عاطفی شاعر معاصر:

تنها نه پاشکست ز سر تا به پاشکست
 موجه که انتهای من از ابتدا شکست